

## معرفی کتاب

به فضایل و مناقبش شگفت‌آور است، با این‌که دشمنانش از روی بغض و دوستانش از ترس، در دوران حاکمیت طاغوت‌های اموی و عباسی فضایل او را کتمان کردند ولی باز هم شمس فضایلش از پس ابرهای متراکم سانسور درخشیده و دل‌های قابل و لایق عالم را روشن کرده است.

برای شناخت امام علی علیه السلام راه‌های گوناگونی وجود دارد. مثلاً، علی علیه السلام از زبان وحی و قرآن، علی در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله، علی در کلام خود و از دید صحابه، یاران، کارگزاران، دوستان و دشمنان.

مؤلف کتاب الامام علی علیه السلام فی آراء الخلفاء، اعتراف‌های خلفای نخستین را درباره علی علیه السلام از کتاب‌های معتبر اهل سنت گردآورده است. شاکله کتاب، طبق سیر تاریخی عصر خلفا ترسیم شده، بدین ترتیب: ابتدا، خلیفه اول، سپس خلیفه دوم، آنگاه خلیفه سوم، در مرحله بعد معاویه و سایر امویان به نقل روایاتی که عمر بن عبدالعزیز روایت کرده است.

و از عباسیان ۵ موضوع (حدیث سر الابواب، منزلت، غدیر، طیر مشوی و احتجاج مأمون) را آورده است.

# الامام علی علیه السلام فی آراء الخلفاء

## علی مختاری

الامام علی علیه السلام فی آراء الخلفاء، العلامة الشیخ مهدی فقیه ایمانی، تعریب الشیخ یحیی کمالی البحرانی، مؤسسه المعارف الإسلامیة، الاولی ۱۴۲۰ ه. ق. ۲۲۴ ص.

علی علیه السلام بزرگ‌ترین آیت الهی و ویژگی‌های عجیبی دارد. از جمله، اعتراف‌های دیگران و حتی دشمنان او

الإمام علي عليه السلام  
في آراء الخلفاء

\*\*\*  
العلامة الشيخ مهدي قبه ايماني

نباشد و در کشورهای عربی با اصول فنی و عالی منتشر و توزیع شود.

از لحن و تصریحات این اثر، به دست می‌آید که برای اهل سنت نوشته شده است و اگر بدین منظور باشد، شیوه فعلی خصوصاً مقدمه‌ها نامناسب به نظر می‌رسد. در برخورد جذاب نباید دافعه طرف تحریک شود و به موضع مخاصمه کشانده شود. چنان که علامه امینی نام خلفا را هم با احترام و رضی الله عنه نقل کرده است. -

در این اثر سخنان اولین خلیفه را از صفحه ۳۳ آغاز می‌کنیم و پیش از آن چنین عناوینی است که نباید باشد: صفحه ۱۰ الی ۲۸ در عنوان «تحدیر من الله و رسوله ﷺ بظهور خلفاء

مؤلف محترم، کتاب دیگری هم در حدیث، «الحق مع علی علیه السلام» با استفاده از منابع اهل تسنن به زبان فارسی به نام «حق با علی است» نوشته، که دفتر تبلیغات اسلامی قم آن را چاپ کرده است.

پیش‌تاز این راه شخصیت‌هایی نظیر میرحامد حسین هندی در عیقات الانوار، شهید قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق، بحرانی در غایة المرام، علامه امینی در الغدیر، فیروزآبادی در فضائل الخمسة من الصحاح الستة و ... هستند.

اهل سنت هیچ دلیلی بر حقانیت خلیفه‌هایی که آن‌ها را مصداق «اولوالأمر» می‌شمارد، ندارد. خلیفه‌های دیروزی بهتر از امروزی‌ها نبوده‌اند و امروزه ناچارند یا بگویند این خلیفه‌ها، مساوی با طاغوت و بدترین طاغوت‌های حاکم بر جهان اسلام هستند، یا اسلام منحصر به چند سال صدر اسلام بود و بعداً قرآن و اسلام تعطیل شد.

کتاب حاضر با استفاده از حدود دویست و بیست مأخذ اهل سنت فراهم شده است این شیوه یکی از بهترین شیوه‌های ترویج حق است، بالأخص اگر نام و نشان تشیع بر روی جلد و مقدمه

مختلقین» است و ضمناً حدیث: الاثمه من بعدی اثنی عشر، کلهم من قریش<sup>(۱)</sup> در پاورقی مفصلاً بررسی شده است.

### گلگشتی در این اثر

○ چون گفتار، نوشتار و مطالعه درباره علی علیه السلام عبادت است، این نوع تلاش شیرین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«النظرُ إلى أخى عليَّ عبادة، و ذكره عبادة، و لا يقبل الله إيمان عبدٍ إلا بولايته والبراءة من أعدائه»<sup>(۲)</sup>

نگاه به برادرم علی و یاد او عبادت است و خدا ایمان هیچ بنده‌ای را جز با ولایت او و بـر ائت از دشمنانش، نمی پذیرد.»

○ چه می توان گفت در فضل شخصیتی که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش می گوید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِأَخِي عَلِيٍّ فَضَائِلَ لَا تُحْصَى كَثْرَةً، فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأً بِهَا عَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابَةَ رَسْمًا، وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَيَّ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ، وَ مَنْ نَظَرَ إِلَيَّ

كِتَابٍ مِنْ فَضَائِلِهِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ»<sup>(۳)</sup>

به راستی خدا برای برادرم علی فضائلی مقرر داشت که از فرط فراوانی قابل شمارش نیست.

پس هرکه فضیلتی را از فضائل او یاد کند و به آن اقرار کند، خداوند گناهان حال و گذشته او را بیامرزد و هر که یک فضیلت از فضائلش را بنویسد تا آن نوشته هست، دائماً ملائکه برایش استغفار می کنند و هرکه به فضیلتی از فضائلش گوش جان بسپارد، خدا گناهانی را که از راه شنیدن مرتکب شده، بیامرزد.

و هر که نگاهی به نوشته‌ای از فضائلش بیندازد، خدا گناهانی را که از راه نگاه مرتکب شده، بیامرزد.»

○ ابوبکر گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «خداوند واقعاً از نور روی علی بن ابی طالب ملائکه‌ای آفرید که خدای را تسبیح گویند و تقدیس می کنند و ثوابش را برای دوستان علی و دوستاناران فرزنداناش می نویسند.» (ص ۳۸)

○ ابوبکر گفت: هنگامی که آوازی از درخت خرما شنیده شد، پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا دانستید این نخل چه گفت؟»

گفتیم: «خدا و رسولش بهتر می دانند.»  
 حضرت فرمود: «صاحت: هذا محمد رسول الله و وصیّه علی بن ابی طالب؛ این محمد پیامبر خداست و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (ص ۳۹)  
 ○ سالم گوید: «با علی علیه السلام در زمینی کار می کردیم که ابوبکر و عمر نزد علی علیه السلام آمدند و گفتند: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین، به آن دو نفر گفته شد: آیا شما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم با عنوان «امیرالمؤمنین» سلام می کردید؟» عمر گفت: «پیامبر این چنین به ما دستور داده است.» (ص ۴۹ - ۵۰)

○ عمر گفت در گذشته من به علی جفا می کردم، پس روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به من برخورد کرد و فرمود: «ای عمر! مرا آزردی.»

پرسیدم: «به چه کاری؟» فرمود: «تجفو علیاً، من آذی علیاً فقد آزانسی؛ به علی ستم می کنی، هر که علی را بیازارد، مرا آزرده است.» (ص ۶۵)

### ● وصیت و وصایت

عمر به نقل از سلمان گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالت احتضار بود، به خانه اش رفتم و گفتم: «آیا وصیت کرده ای؟» فرمود: «ای سلمان آیا می دانی اوصیا چه کسانی هستند؟»

گفتم: «خدا و رسولش داناترند.»  
 فرمود: «وصی حضرت آدم علیه السلام «شیت» بود و او از بهترین فرزندان باز مانده اش بود و وصی نوح علیه السلام سام بود که برترین کسی بود که پس از او مانده بود، و وصی حضرت موسی علیه السلام یوشع بهترین بازمانده او بود و وصی سلیمان علیه السلام، آصف بن برخیا بهترین بازمانده اش بود و وصی عیسی علیه السلام شمعون برخیا بود.

و حتماً من علی علیه السلام را وصی قرار می دهم که او برترین کسی است که پس از خود به جا می گذارم.» (ص ۸۵)

○ عثمان، در پی قضاوت های علی علیه السلام گفت: «لولا علی لهلك عثمان.» (۴) (ص ۱۴۵)

### پی نوشت ها:

- ۱ - در این موضوع یک کتاب مخصوص از نشر مشعر منتشر شده است. یاقوت حموی در قرائت السمطین نام ائمه علیهم السلام را نیز ذکر کرده است. عجالتاً ر.ک. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب الاحکام باب الاستخلاف؛ صحیح مسلم ص ۳، ح ۱۴۵۲، کتاب الاماره، باب ۱، ح ۱۸۲۱ - ۱۸۲۲.
- ۲ - الامام علی فی آراء الخلفاء؛ ایمانی، ص ۸، نقل از: المناقب، خوارزمی، ص ۳۲، ح ۲؛ کفایة الطالب، گنجی، ص ۲۵۲، باب ۶۲؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۹.
- ۳ - عثمان، ص ۸.
- ۴ - نقل از الفدیج، ج ۸، ص ۲۱۴؛ زین الفتی فی تفسیر سورة اهل بی، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۲۲۵.